



درباره‌ی تازه مسلمانان بی پناه دست زدند. البته مسلمانانی که در سایه‌ی حمایت قبایل نیرومند خویش زندگی می‌کردند، کمتر از دیگران مورد ظلم و تعدی قرار می‌گرفتند؛ افرادی مانند: ابوبکر، عثمان، سعدبن ابی وقاص و... اما زندگی آنانی که پناه و حامی نداشتند، به زجر و شکنجه و گرسنگی می‌گذشت؛ مثل: یاسر، سمیه، بلال و... [بلاذری، انساب الاشراف، بی‌تا، ج ۱: ۱۹۷؛ ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱۳: ۲۵۵].

معمولاً یکی از راه‌های تحت فشار گذاشتن مخالفان، فشار اقتصادی است که قریش مغرور و ثروتمند بدان دست زدند. اما دین اسلام آن‌چنان شیفتگانی را در همان مدت کم پرورش داده بود که در برابر هر آزاری، مقاومت را بر تسلیم ترجیح می‌دادند. پیروان دین جدید عمدتاً دو گروه را شامل می‌شدند: اولین گروه، ضعفایی بودند که از آغاز دچار فقر اقتصادی بودند، و دومین گروه افرادی بودند که به

بعد از کتاب خدا، سنت پیامبر(ص)، پربارترین جایگاه هدایت شیوه‌ی درست زندگی کردن در تمام ابعاد آن برای مسلمانان است. یکی از این موارد که می‌تواند مورد توجه و تحقیق قرار گیرد، وضعیت اقتصادی حکومت اسلامی عصر رسالت است. ما در مواجهه با یک دوره‌ی ۲۳ ساله و فقدان مشترکات دوران «بعثت تا هجرت» پیامبر(ص) و از «هجرت تا رحلت» ایشان، ناگزیر به پذیرش دو مرحله‌ی مجزا و در عین حال مستمر هستیم.

بعثت تا هجرت

در طول دوران ۱۳ ساله‌ی بعثت، کفار و مشرکان از انجام هیچ عملی روی گردان نبودند و تا آن‌جا که توانایی داشتند، به ظلم و شکنجه و محاصره‌های گوناگون، چه درباره‌ی وجود پیامبر(ص) و چه

نگاهی به درآمد حکومت اسلامی در عصر رسالت

نجابت رصافیان

دبیر تاریخ منطقه‌ی ۲ شهر تهران

واسطه‌ی طرد شدن از قبیله و خانواده، به وضعی مشابه دیگران درآمده بودند، اما هیچ‌گاه تحمل و مقاومت خود را از دست ندادند و ماندند تا برای همیشه در تاریخ و حقیقت آن بمانند.

پیامبر (ص) اسلام از خاندان اصیل و نجیب هاشمی بود، اما با وجود این، وضعیتی بهتر از پیروان خود نداشتند. اوج اذیت و آزار کفار نسبت به پیامبر (ص) و بنی هاشم در محاصره‌ی «شعب ابی طالب» است که زبانی بس گویا برای ابراز سختی و محنت اسلام و شخص پیامبر (ص) به شمار می‌رود [ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۳؛ یعقوبی، بی تا، ج ۱: ۳۸۹].

هجرت تارحلت

ورود مسلمانان به سرزمین جدید، با ترک تمام علاقه‌ها و دل‌بستگی‌های ظاهری و مادی همراه بود. اکثر مسلمانان یا برجا گذاشتن تمام آن‌چه که داشتند، رفتن و نداشتن را بر ماندن و غنی بودن ترجیح دادند [ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۸۷]. چون اراده‌ی خداوند بر ماندن اسلام قرار گرفته بود، پس زمینه‌ی مناسب و مساعد برای رشد آن نیز فراهم فرمود. با ورود مهاجرین به مدینه که نه مالی برای امرار معاش داشتند، نه مکانی برای اقامت، انصار یاری خویش را عیان کردند؛ پذیرای مهاجرین شدند و خانه‌های خویش را در اختیار آنان گذاشتند [همان، صص ۸۹-۸۷]. اگرچه فشار اقتصادی بر مسلمانان کمتر شد، اما از بین نرفت.

آغاز فتوحات

به زودی مسلمانان برای ترویج دین خود به مقابله با دشمنان پرداختند که غیر از پاداش معنوی، به دستاوردهای مادی نیز رسیدند. طی دوره‌ی ده‌ساله‌ی هجرت تارحلت آن بزرگوار، تعداد زیادی غزوات و سرایا پیش آمد که در این جا قصد تاریخ‌نگاری و برشمردن و چگونگی این جنگ‌ها را نداریم، بلکه هدفمان بیان چگونگی مصرف غنائم به دست آمده است:

۱. اولین مورد غنیمتی که نصیب مسلمانان شد، در سریه عبدالله بن جحش بود که پس از نزول آیاتی که دلالت بر برائت ابن جحش داشت، به‌طور مساوی بین مهاجرین تقسیم شد [واقدی، بی تا، ج ۱: ۱۷-۱۸؛ ابن هشام، بی تا، ج ۲: ۱۸۰؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۷۰].

۲. در جنگ‌های بین کفار و مسلمانان، اموالی نصیب مسلمین می‌شد؛ همانند جنگ بدر. در این جنگ، اموال و غنایمی از جمله ۱۵۰ شتر، به‌همراه مقدار زیادی پوست و چرم به مسلمانان رسید. گروهی که غنایم را جمع کرده بودند، همه را حق خود می‌دانستند و آنان که دشمن را شکست داده و تعقیبشان کرده بودند، می‌گفتند غنایم

حق ماست؛ زیرا اگر ما نبودیم و دشمن را تار و مار نمی‌کردیم، شما نمی‌توانستید غنیمتی به دست آورید. بعد از آن مبارزان در مورد تقسیم غنایم به نزاع پرداختند [واقدی، بی تا، ج ۱: ۱۰۲]. اختلاف و دودستگی بر سر تقسیم غنایم موجب نزول آیاتی از قرآن شد [همان، ص ۱۳۱] که تکلیف را مشخص و اختیار غنایم به دست پیامبر افتاد و آن حضرت اموال را به‌طور مساوی بین افراد تقسیم فرمودند [پیشین]. البته مورخی همانند واقدی در جایی اشاره به این موضوع دارد که مقدار از پیامبر (ص) خواست، سهمی برای اسبش مرحمت فرماید و پیامبر (ص) خواسته‌ی او را اجابت فرمودند و این اولین سهمی بود که به اسب تعلق گرفت [همان، ص ۱۰۲].

۳. بنا بر بیشتر اقوال، تغییر در چگونگی تقسیم غنایم، در جنگ بنی قریظه پیش آمد. بدین ترتیب که برای اولین بار مابین سواره و پیاده تفاوت گذاشته شد. هر سوار یک سهم خودش و دو سهم نصیب اسبش گردید و پیاده تنها یک سهم می‌برد و از آن به بعد، اموال را این‌گونه تقسیم می‌کردند [ابن هشام، ج ۳: ۱۴۹؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۷۵؛ واقدی، بی تا، ج ۱: ۵۲۲].

واقدی در شرح وقایع مربوط به یهود بنی قریظه، نحوه‌ی تقسیم اموال را همان‌گونه شرح می‌دهد که در بالا ذکر شد، تنها با این فرق که وی اظهار می‌کند، تفاوت بین سواره و پیاده در غزوه‌ی بنی مصطلق رایج و در دیگر غزوات نیز تکرار شد.

۴. فتح حنین و نحوه‌ی تقسیم غنایم آن تفاوتی چشم‌گیر با دیگر غزوات داشت. فتح حنین بعد از فتح مکه روی داد و در پی این پیروزی، مقدار زیادی غنیمت از اموال هوازن به مسلمانان رسید؛ از جمله: شش هزار اسیر، ۲۴ هزار شتر، حدود ۴۰ هزار گوسفند، و چهار هزار اوقیه^۱ نقره [واقدی، بی تا، ج ۳: ۹۴۹؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۲: ۱۴۲-۱۴۱].

پیامبر (ص) در تقسیم غنایم سهمی را به تازه‌مسلمانان داد که عنوان «مؤلفه قلوبهم»^۲ داشت. از جمله به ابوسفیان و دو پسرش، معاویه و یزید، هر کدام ۴۰ اوقیه و ۱۰۰ شتر مرحمت فرمود. حکیم بن حزام ۲۰۰ شتر، و حارث بن کلد ۱۰۰ شتر دریافت کردند [واقدی، بی تا، ج ۳: ۹۴۶-۹۴۴؛ ابن هشام، بی تا، ج ۴: ۹۸-۹۹؛ یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۶۳].

سهم هر مبارز پیاده ۴۰ گوسفند یا چهار شتر و هر سوار ۱۲ شتر یا ۱۲۰ گوسفند بود [واقدی، بی تا، ج ۳: ۹۴۳].

این‌ها، نمونه‌هایی از فتوحات مسلمین در حجاز و نحوه‌ی تقسیم اموال و غنایم بود که بعداً سرمشق مجاهدین مسلمان قرار گرفت. اما غیر از حنین، یک سلسله پیروزی‌ها و فتوحات بدون جنگ و خون‌ریزی و راندن اسب و شتر هم پیش آمد که با توجه به آیات قرآن، احکامی جداگانه داشتند:

فتح خیبر

در جنگ خیبر، قضیه‌ی تسلیم شدن ساکنین قلعه‌ها روی داد. بدین صورت که بعد از چند روز جنگ، یهودیان خیبر تسلیم شدند، بدین شرط که همه‌ی اموالشان به خصوص مزارع آنان در اختیار مسلمانان باشد. بعد از مصالحه، نمایندگان خیبر خدمت پیامبر (ص) رسیدند و عرض کردند، اگر رسول خدا (ص) قبول کند، آنان بر مزارع قبلی خود کشاورزی کنند و همان جا ساکن باشند؛ بدین شرط که درآمد محصول به صورت مساوی مابین آنان و مسلمانان تقسیم شود. پیامبر (ص) نیز قبول فرمودند [پیشین].

این املاک از آن مسلمانان بود و آنان تنها به صورت مزدور کار می‌کردند [پیشین].

فدک

اخبار فتح خیبر و سرنوشت آنان به اهل فدک رسید. آنان قبل از این که مابین خودشان و مسلمانان جنگی صورت گیرد، به پیامبر (ص) پیشنهاد صلح دادند؛ بدین شرط که نصف اموال و خاک فدک از آن رسول الله (ص) باشد [ابویوسف، بی تا: ۵۱-۵۰؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۲: ۱۰۲؛ بلاذری، بی تا، ج ۱: ۴۱]. چون این فتح بدون جنگ و خون‌ریزی نصیب پیامبر (ص) و اسلام شده بود و مسلمانان برای رسیدن به آن در رنج نیفتاده بودند، طبق آیات قرآن، تمام غنایم، اموال و مزارع خالصه‌ی رسول الله (ص) گردید [پیشین].

غیر از چنین فتوحی، در بعضی برخوردها، اهالی غیرمسلمان بر اموال و املاک خود باقی می‌ماندند، اما تعهد می‌کردند، سالانه به مقدار معینی پول و یا جنس به عنوان جزیه بپردازند؛ از جمله:

مردم تیماء

مردم تیماء بدین شرط با رسول خدا (ص) مصالحه کردند که جزیه بپردازند [بلاذری، فتوح البلدان، بی تا: ۴۸].

اهل تباه و حرش

این عده نیز پرداخت جزیه را قبول کردند و قرار شد، از هر یک از اهل کتاب که هنگام مصالحه بالغ شده باشد، یک دینار بگیرند [همان، ص ۷۹].

اهل آذرخ

پرداخت جزیه به طور سالانه که روی هم ۱۰۰ دینار می‌شد [همان، ص ۸۰].

اهل مقتا

دریافت جزیه از این مردم بدین صورت بود که در یک سال، ربع حاصل عروک (آلات صیادی) و ریسنده‌ی، و چار یک ستوران و

زرها و میوه‌های خود را پرداخت کنند [پیشین].

اهل نجران

شرایط جزیه در میان این مردم چنین بود که دوهزار حله تسلیم دارند؛ هزار عدد در ماه صفر و هزار عدد دیگر در ماه رجب. بهای هر جامه نیز یک اوقیه باشد که وزن آن ۴۰ درهم است. اگر حله‌ای دهند که ارزش آن بیش از یک اوقیه باشد، مقدار اضافه‌ی آن در حساب بیاورند و اگر ارزش آن کمتر از یک اوقیه باشد، آن مقدار کسری را از آنان بگیرند. اگر هم به جای حله‌ها چیزهای دیگر مثل اسلحه یا اسب و شتر بدهند، پذیرفته می‌شود [همان، ص ۸۵].

فرستادگان پیامبر (ص) را تا یک ماه میزبانی کنند و بعد مسئولیتی ندارند. اگر در حین جنگ باشد، ۳۰ اسب و ۳۰ شتر عاریت بدهند، و اگر از آن عاریت چیزی از میان رود، فرستادگان پیامبر (ص) ضامن برگرداندن آن خواهند بود [همان، ص ۸۶].

پیامبر خدا (ص) دریافت جزیه را با توجه به نحوه‌ی زندگی و امرار معاش افراد، و درآمد و میزان ثروت آنان مشخص می‌کرد. اگر مردمی از ساخت لوازم ریسنده‌ی امرار معاش می‌کردند [همان، ص ۸۰]، مقداری از تولید سالانه‌ی آن‌ها را به عنوان جزیه معین می‌فرمود، و اگر تولید لباس داشتند [همان، ص ۸۵]. به دریافت آن اکتفا می‌فرمود و در بعضی مواقع هم، اصل پول را به دینار می‌پذیرفتند. یکی دیگر از منابع درآمد مسلمین، زکات بود که خداوند طی آیاتی از قرآن بر این امر مهم تأکید فرموده است. ۳ پیامبر (ص) هرگاه قبیله‌ای اسلام می‌پذیرفت، به عنوان اقدام اولیه، واجب بودن زکات و پرداخت آن را اعلام می‌فرمود و مأمورانی را برای دریافت آن به قبایل گوناگون می‌فرستاد [ابن اسحاق، بی تا: ۳۹۴؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۲: ۱۶۸-۱۶۷ و ۱۴۵-۱۴۴؛ غزالی، بی تا، ج ۱: ۱۸۵].

تقسیم درآمدها

با وجود آن همه درآمد، در اواخر حیات رسول خدا (ص) ایشان همان زندگی بی‌پیرایه را داشتند [ابن سعد، بی تا، ج ۱: ۲۷۰] و طبق احکام الهی، به تقسیم وجوهات می‌پرداختند؛ بدین ترتیب که درآمد فیء، صدقات و خمس را به اهل آن می‌دادند [واقدی، بی تا، ج ۱: ۴۱۰؛ بیهقی، بی تا، ج ۶: ۳۴۸]. کسانی که از صدقات بهره‌مند بودند، از درآمد فیء و خمس بهره‌ای نداشتند و کسانی که از درآمد فیء و خمس بهره‌مند می‌شدند، از صدقات چیزی دریافت نمی‌کردند [واقدی، بی تا، ج ۱: ۴۱۰]. معمولاً رسول خدا صدقات را به یتیمان و فقیران و بی‌نویان می‌دادند [پیشین].

هرگاه فرزندان ایتام بزرگ می‌شدند و به بلوغ شرعی می‌رسیدند، از دریافت صدقات حذف و از فیء استفاده می‌کردند که البته لازمه‌ی

آن شرکت در جهاد بود [پیشین]. اگر اشخاصی از جهاد خودداری می کردند، دیگر چیزی به آن‌ها پرداخت نمی شد و اجازه داشتند، دنبال کار و فعالیت دیگری بروند [پیشین]. معمولاً پیامبر (ص) هیچ سائلی و فقیری را محروم نمی فرمودند [پیشین].

به طور کلی می توان منابع درآمد مسلمین را به شرح زیر مشخص کرد:

۱. خمس: در فقه شیعه، خمس یک مالیات عمومی و ثابت است و به کلیه ی درآمدها تعلق می گیرد. حکومت اسلامی، بخش مهمی از بودجه ی خود را از این منبع مالیاتی تأمین کرده است [دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، بی تا: ۲۳۸]. از زمان حضرت رسول (ص) و بعد از جنگ بدر، پرداخت آن واجب شده است [انفال/۴۱].

مواردی که خمس به آن‌ها تعلق می گیرد:

الف) غنائم: شامل اموال منقول، اسرا، زنان و اطفال کفار که به اسارت مسلمانان درآمده اند [قمی، بی تا: ۱۶۹-۱۶۸] و اراضی (آن دسته از اراضی که به زور فتح می شدند).

ب) معادن و دفینه ها، گنج ها، جواهرات دریا، مازاد مخارج سالانه، زمینی که ذمی می خرد و پول آمیخته به حرام [رساله ی نوین، ج ۲: ۱۰۷].

۲. زکات: مالیاتی است که دولت اسلامی می تواند آن را جمع آوری کند [ماوردی، بی تا: ۱۱۱]؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، بی تا: ۲۳۹] و به مصارف خاص تعیین شده برساند [توبه/۶۰].

زکات مبنای قرآنی دارد و به معنای صدق، طهارت [کهف/۷۳؛ شمس/۹؛ نور/۲۱] و پاکیزگی آمده است.

پیامبر (ص) زمانی که معاذین جبل را به یمن فرستادند، از جمله سفارش هایشان به وی این بود که به آن‌ها بگو: خداوند بر شما واجب کرده است که زکات اموال شما از توانگران گرفته و به تهیدستان داده شود [یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۸۱-۸۰]. در نتیجه، دادن زکات باعث ایجاد تعادل اقتصادی و رابطه انسانی می شود.

زکات از دام و چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)، غلات، طلا و نقره گرفته می شود [امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، باب زکات].

۳. خراج: به معنای سود محصول، درآمد، زمین و عوارض به مفهوم اعم به کار رفته است [اصفهانی، بی تا: ۱۴۵] و یکی دیگر از درآمدهای عمومی است. خراج در اصطلاح فقهی مال الاجاره ی ویژه ای است که حاکم از طریق مفتوح العنوه وصول می کند. زیرا این نوع اراضی ملک همه ی مسلمانان است و هرکس بخواهد از این زمین ها استفاده کند، باید اجاره ی آن‌ها را به ولی مسلمین بدهد [ماوردی، بی تا: ۱۴۶؛ ابویوسف، بی تا: ۲۶].

۴. جزیه: مالیات سرانه بود. در آغاز فتوحات اسلام، کسانی از اهل کتاب به آیین خویش باقی ماندند و در ذمه مسلمانان درآمدند.

اهل ذمه در مقابل حمایت دولت اسلامی از ایشان، و ایجاد امنیت مالی، حیاتی و ناموسی، موظف به پرداخت مقداری پول به عنوان سرانه بودند که آن را جزیه می گفتند [توبه/۲۹؛ ماوردی، بی تا: ۱۱۱؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، بی تا: ۲۳۹].

زیر نویس

۱. اوقیه واحد و مقیاسی است برای وزن معادل ۷/۵ مثقال. جمع آن اواقی و معرب و اصل آن ظاهراً یونانی است (معین) و اوقیه معیاری برای وزن برابر با یک ششم آقه این معیار بیش از این برابر با چهل درهم بود که بعداً برابر با شصت درهم شد و در اصطلاح زرگران برابر با دوازده درهم است. فرهنگ لاروس، ج اول، ص ۳۹۸.

۲. سوره ی توبه، آیه ی ۶۰. می توان از زکات به تازه مسلمانان داد، برای نرم شدن قلب های آنان و جذبشان به طرف دین جدید. به بیان دیگر، برای تألیف قلوب و متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام.

۳. سوره ی بقره، آیات ۴۳، ۸۴، ۱۱، ۱۷۷ و ۲۷۷؛ سوره ی نساء، آیات ۷۷ و ۱۶۲؛ سوره ی توبه، آیات ۵، ۱۱، ۱۸، ۷۱ و ۱۰۳؛ سوره ی مانده، آیات ۱۲ و ۵۵.

منابع

۱. بلاذری، احمد بن یحیی. انساب الاشراف (ج ۱). تحقیق دکتر محمد حمید... دایرة المعارف، نیل. قاهره. بی تا.

۲. ابن ابی الحدید. شرح نهج البلاغه (ج ۱۳). تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. دار جبل. بیروت. بی تا.

۳. ابن هشام. سیره النبویه (ج ۲). بیروت، لبنان. بی تا.

۴. یعقوبی، ابن واضح. تاریخ (ج ۱). دار صادر. بیروت، بی تا.

۵. واقدی، محمد بن عمر. مفاز (ج ۱). تحقیق دکتر مارسدن جونز. منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. بیروت، لبنان. بی تا.

۶. ابن اثیر. الکامل فی تاریخ (ج ۲). دارالکتب العلمیه. بیروت، لبنان. بی تا.

۷. بلاذری، احمد بن یحیی. فتوح البلدان. شرح حواشی از عبدالله انیس الطباع. مؤسسه ی المعارف للطباعه و النشر. بیروت، لبنان. بی تا.

۸. ابویوسف. الخراج. دارالمعرفه والنشر. بیروت، لبنان. بی تا.

۹. غزالی، امام محمد. کیمیای سعادت (ج ۱). به همت حسین خدیو جم. انتشارات علمی و فرهنگی. بی جا. بی تا.

۱۰. ابن سعد. طبقات کبری (ج ۱). للطباعه و النشر. بیروت. بی تا.

۱۱. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. مبانی اقتصاد اسلامی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه تهران. تهران. بی تا.

۱۲. قمی، حسن بن محمد حسن. تاریخ قم. ترجمه ی حسن بن عبدالملک قمی. تصحیح و تحشیه سیدجلال الدین تهرانی. انتشارات توس. تهران. بی تا.

۱۳. امام خمینی. تحریر الوسیله (ج ۲). ترجمه و توضیح بی آزار شیرازی. تهران.

۱۴. ماوردی. احکام السلطانیه، الناشر مراکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، طبع الثانیه، باب حادی عشر.

۱۵. اصفهانی، راغب. مفردات فی غریب القرآن. تحقیق محمد سید گیلانی. المکتب المرتضویه.